

آی‌شمن در اورشلیم

گزارشی در باب ابتذال شر

نویسنده: هانا آرنت

مترجم: زهرا شمس

فهرست

یادداشت مترجم	۹
پیشگفتار. تکفیر هانا آرنت	۱۳
یک. سرای عدالت	۲۳
دو. متهم	۴۷
سه. متخصصی در باب مسئله‌ی یهود	۶۵
چهار. اولین راه‌حل: اخراج	۸۹
پنج. راه‌حل دوم: تجمیع	۱۰۳
شش. راه‌حل نهایی: کشتار	۱۲۱
هفت. کنفرانس وانزه، یا پونتییوس پیلاطس	۱۵۵
هشت. وظایف یک شهروند قانون‌مدار	۱۸۳
نُه. اخراج‌ها از رایش-آلمان، اتریش و ممالک تحت‌الحمایه	۲۰۱
ده. اخراج‌ها از اروپای غربی؛ فرانسه، بلژیک، هلند، دانمارک، ایتالیا	۲۱۳
یازده. اخراج‌ها از بالکان-یوگسلاوی، بلغارستان، یونان، رومانی	۲۳۵
دوازده. اخراج‌ها از اروپای مرکزی؛ مجارستان و اسلواکی	۲۵۱
سیزده. مراکز کشتار در شرق	۲۶۵
چهارده. شواهد و شهود	۲۸۱
پانزده. حکم دادگاه، تجدیدنظرخواهی و اعدام	۲۹۷
سخن آخر	۳۱۹
کتابشناسی	۳۴۹
نمایه	۳۵۳

یک

سرای عدالت

«بیت هامیشپات»^۱ - سرای عدالت: این کلمات را مسئول انتظامات دادگاه به صدای بلند فریاد می‌زند و ما را از جا می‌پراند؛ دارد رسیدن سه قاضی را اعلام می‌کند که بدون کلاه‌گیس،^۲ با ردای سیاهی بر تن، از دری جنبی قدم به دادگاه می‌گذارند تا بر کرسی‌های خود در بالاترین جایگاه صحنه تکیه بزنند. در دو طرف میز طویل آن‌ها، که عنقریب با بی‌شمار کتاب و بیش از هزاروپانصد سند پوشانده خواهد شد، تندنویسان دادگاه جای گرفته‌اند. درست پایین جایگاه قضات، مترجمان نشسته‌اند که در گفت‌وگوهای مستقیم متهم یا وکیل مدافع او با دادگاه انجام وظیفه می‌کنند و اگر آن‌ها نباشند، متهم و همراهان آلمانی زبان وی، کم‌وبیش مانند تمام حضار، روند رسیدگی را به زبان عبری و از طریق مخابره‌ی ترجمه‌ی هم‌زمان دنبال می‌کنند که به فرانسوی عالی، به انگلیسی قابل تحمل، و به آلمانی کم‌دی محض و اغلب نامفهوم است. (با توجه به انصاف موشکافانه‌ای که بر همه‌ی تدارکات فنی این محاکمه حکم فرما بوده، این جزء خرده‌معماهای دولت تازه‌تأسیس اسرائیل است که به‌رغم درصد بالای جمعیت آلمانی تبارش، نتوانسته برای تنها زبانی که متهم و وکیل مدافع

1. Beth Hamishpath

۲. بر سر گذاشتن کلاه‌گیس یکی از سنت‌های قدیمی قضات و وکلای در نظام قضائی انگلستان است که سابقه‌ی آن به حدود ۷۰۰ سال پیش برمی‌گردد. در آن زمان ردای بلند و کلاه‌گیس، لباس رسمی و معیار برای حضور در دربار محسوب می‌شد و حتی پارچه‌ی این ردهای بلند، به نشان نیابت از تاج و تخت در قضاوت و فیصله‌ی دعاوی. از طرف دربار به قضات اهدا می‌شد. از همین رو، این سنت به بسیاری از کشورهایی که زمانی تحت سلطه یا استعمار یا قیمومت بریتانیا بوده‌اند هم وارد شد و با توجه به قیمومت انگلستان بر خاک فلسطین و سرزمین‌های اشغالی، این سنت وارد نظام قضائی اسرائیل هم شده بود، اما به تدریج پس از تشکیل دولت اسرائیل و تأثیرپذیری بیشتر از نظام قضائی آمریکا، قضات اسرائیلی هم کلاه‌گیس از سر برداشتند و فقط ردای سیاه بر تن کردند. -م.

همکارانش را بدین سمت سوق می‌دهد که در گفت‌وگو با آیشمن از زبان مادری خود، یعنی آلمانی، استفاده کنند - یک برهان دیگر، اگر هنوز برهانی لازم باشد، بر استقلال رأی استثنائی او از افکار عمومی حاکم بر اسرائیل.

از همان ابتدا جای هیچ تردیدی نیست که قاضی لاندائو تعیین‌کننده‌ی حال و هوا و جو دادگاه است و تلاش می‌کند، تمام تلاشش را، تا اجازه ندهد که این محاکمه، تحت تأثیر علاقه‌ی دادستان به رفتارهای نمایشی، تبدیل به یک محاکمه‌ی نمایشی بشود. اما یکی از دلایلی که باعث می‌شود [قاضی لاندائو] همیشه موفق به این کار نشود، همین نکته‌ی مسلم و ساده است که روند رسیدگی دارد روی صحنه‌ای پیش روی حضار رخ می‌دهد، با آن فریاد طنین افکن مسئول انتظامات دادگاه در آغاز هر جلسه که بالارفتن پرده‌های نمایش را به ذهن متبادر می‌کند. دادگاه در سالی واقع در ساختمان نوساز بیت هآام^۱ به معنای سرای مردم (که حالا گرداگردش را نرده‌های بلند احاطه کرده، از پایین تا بالا تحت حفاظت نیروهای تا بن دندان مسلح پلیس است و همه‌ی مراجعان در ردیفی از اتاقک‌های چوبی حیاط جلویی، استادانه تفتیش می‌شوند) برگزار می‌شود، و هرکسی که این سالن اجلاس را برای برگزاری دادگاه انتخاب کرده، اجرای یک تئاتر را در ذهن داشته است، تئاتری بی‌کم‌وکاست همراه با جایگاه تماشاچیان و بالکن، پیشگاه و صحنه، و درهای جانبی برای ورود بازیگران. دیوید بن‌گوریون، نخست‌وزیر اسرائیل، وقتی دستور ربودن آیشمن در آرژانتین و آوردن او به دادگاه منطقه‌ی اورشلیم را صادر می‌کرد تا بیاید و بابت نقشش در «راه حل نهایی برای مسئله‌ی یهود» بازخواست شود، محاکمه‌ای نمایشی را در ذهن داشت که بی‌شک صحن چنین دادگاهی برای اجرای آن اصلاً جای بدی نیست. و بن‌گوریون، که به درستی «معمار دولت» خوانده می‌شود، صحنه‌گردان نامرئی این دادگاه باقی می‌ماند. بن‌گوریون حتی یک بار هم در یک جلسه از دادگاه شرکت نمی‌کند؛ او در دادگاه با صدای دادستان کل کشور، گیدیون هاوزنر^۲ سخن می‌گوید که در مقام نماینده‌ی دولت تلاش می‌کند، تمام تلاشش را، تا از ارباب خود اطاعت کند. و اگر تمام تلاش او، خوشبختانه، اغلب اوقات به ثمر نمی‌نشیند، دلیلش این است

او می‌فهمند، یک مترجم آبرومند پیدا کند. تبعیض دیرینه علیه یهودیان آلمانی هم که روزگاری در اسرائیل بسیار چشمگیر بود، حالا دیگر چندان قوتی ندارد تا این کار به پایش گذاشته شود. تنها توجیهی که باقی می‌ماند، عاملی است حتی قدیمی‌تر و کماکان بسیار قدرتمند به نام «وینامین پی» که اسرائیلی‌ها در حلقه‌های حکومتی و بوروکراسی، آن را «پارتی‌بازی» اطلاق می‌کنند. یک ردیف پایین‌تر از مترجمان که رو به یکدیگر و نیم‌رخ به حضار نشسته‌اند، اتاقک شیشه‌ای متهم و جایگاه شهود را می‌بینیم. نهایتاً در پایین‌ترین ردیف و پشت به حضار، دادستان و چهار دستیار او نشسته‌اند، و وکیل مدافع متهم که در هفته‌های اول، یک دستیار همراهی اش می‌کند. در رفتار قضات ابداً هیچ‌گونه حرکت نمایشی به چشم نمی‌خورد. راه‌فتنشان بدون اداواصول است؛ توجهشان هوشیارانه، عمیق و طبیعی است و حین گوش دادن به حکایت این همه رنج، تحت تأثیر اندوه، آشکارا شدت می‌گیرد؛ کلافگی‌شان از تلاش دادستان برای کش دادن جلسات دادگاه، خودجوش و خوشایند است، و رفتارشان با وکیل مدافع شاید کمی بیش از حد مؤدبانه؛ گویی همواره به یاد داشتند که «در این نبرد طاقت‌فرسا، در محیطی بیگانه، دکتر سرواتیوس^۱ تقریباً یک‌تنه ایستاده بود»؛ بر خوردشان با متهم هم جای هیچ حرف و حدیثی باقی نمی‌گذارد. این سه مرد چنان شریف و صادق‌اند که وقتی می‌بینیم هیچ‌یک به وسوسه‌ی بزرگ نقش بازی کردن در این موقعیت تن نمی‌دهند، به‌هیچ‌وجه غافلگیر نمی‌شویم - وسوسه‌ی وانمودکردن به اینکه آن‌ها، که هر سه در آلمان متولد شده و تحصیل کرده‌اند، باید منتظر ترجمه از عبری به آلمانی بمانند. قاضی موشه لاندائو^۲ رئیس دادگاه، برای پاسخ دادن به‌ندرت منتظر مترجم می‌ماند، اغلب در ترجمه مداخله می‌کند، اصلاح و تکمیلش می‌کند؛ به‌وضوح همین چند لحظه وقفه در چنین مسئولیت مرارت‌باری را قدر می‌داند. ماه‌ها بعد، در مرحله‌ی بازجویی متقابل از متهم^۳، قاضی لاندائو حتی

۱. Robert Servatius: وکیل مدافع آیشمن در دادگاه اورشلیم بود. - م.

2. Moshe Landau

۳. در نظام قضائی ترافعی، هر دو طرف دعوا یعنی دادستان (مدعی‌العموم) و وکیل مدافع متهم می‌توانند شهود خود را به دادگاه فراخوانند تا موضع خود را در دعوا تقویت کنند. هر شاهد، پس از ادای سوگند، ابتدا به سؤالات طرفی که او را به دادگاه فراخوانده پاسخ می‌دهد. سپس طرف مقابل دعوا یا قاضی دادگاه حق دارند این شاهد را مورد استنطاق یا بازجویی متقابل قرار بدهند تا واقعیت روشن‌تر شود یا نقاط ضعف شهادت وی نشان داده شود. در نظام تفتیشی (مانند نظام حقوقی ایران) چنین رویه‌ای رایج نیست و عموماً قاضی دادگاه ←

→ است که سؤالات لازم را از شهود طرفین می‌پرسد و کشف حقیقت می‌کند. - م.

1. Beth Ha'am

2. Gideon Hausner